

بسمه تعالی

مجلس شورای اسلامی
دوره اول - سال چهارم

۱۳۶۲-۱۳۶۳

۷۶۹

شماره ترتیب چاپ ۱۸۲۷

شماره ۳۲۲۸۶

تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۳

حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه راجع به آئین دادرسی حقوقی که بنا به پیشنهاد شماره ۱۵/۱۳۲۷ مورخ ۶۲/۴/۱۵ دادگستری جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۶۲/۴/۲۰ هیات وزیران به تصویب رسیده است به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارد .

نخست وزیر

میرحسین موسوی

باتوجه به دستورات اکید حضرت امام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اسلامی شدن قوانین و با عنایت به تغییرات کلی که در قوانین قضائی کشور ایجاد گردیده ، لایحه زیر تهیه و تقدیم میگردد .

لایحه راجع به آئین دادرسی حقوقی

" مقدمه کلیات "

ماده ۱ - رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی فقط راجع به دادگاههای دادگستری است .

ماده ۲ - هیچ دادگاهی نمیتواند به دعوائی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص

ذینفع رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات قانون درخواست نموده باشند .
ماده ۳ - قضات دادگاههای دادگستری موظفند به دعاوی موافق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی نمایند والا مستنکف از احقاق حق محسوب خواهند شد .
ماده ۴ - دادگاه باید حکم هر دعوی را بطور خاص تعیین نماید و نباید بطور عام و قاعده کلی حکم بدهد .
ماده ۵ - عقود و قراردادهای نامشروع و مخل نظام عمومی در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست .

ماده ۶ - رسیدگی ماهوی به کلیه دعاوی مطروحه در دادگاههای حقوقی یک درجه است مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد و در دادگاههای حقوقی (۱) در صورتیکه هر دو طرف یا یکی از طرفین اعتراض کرده باشند قابل تجدید نظر شکلی است .

باب اول

صلاحیت دادگاهها

فصل اول - صلاحیت دادگاه حقوقی

ماده ۸ - دادگاههای حقوقی به دادگاههای حقوقی (۱) و دادگاههای حقوقی (۲) تقسیم میشوند و رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی و امور حسبی با دادگاه حقوقی (۱) است مگر آنچه موجب قانون در صلاحیت حقوقی (۲) یا دادگاه مدنی خاص باشد .
ماده ۹ - در نقاطی که دادگاه حقوقی (۲) تشکیل نشده باشد یا کارش متراکم باشد ، دادگاه حقوقی (۱) میتواند به ماموری که در صلاحیت دادگاه حقوقی (۲) است رسیدگی نماید رای دادگاه حقوقی (۱) در این مورد قابل تجدید نظر شکلی نیست .

ماده ۹ مکرر - دادگاه حقوقی یک تشکیل میشود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل و یک نفر مشاور حق رای با بررسی یا عضو علی البدل دادگاه است لیکن قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظرات خود را مستدلاً بصورت کتبی اعلام نماید .

فصل دوم - دادگاه حقوقی (۲) و صلاحیت آن

ماده ۱۶ - دادگاه حقوقی (۲) تشکیل میشود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل و اگر رئیس یا عضو علی البدل اجناسی کند در دادرسی نسبت به مواردی که نیاز به مشاور دارد در این صورت از رئیس کل دادگاهها یا رئیس دادگستری حوزه متبوعه درخواست مشاور میکند. رئیس مزبور مکلف است با غرض مشاور خواهد بود و پس از مشاوره حکم قاضی عمل خواهد بود. امور راجع به دادگاههای حقوقی (۲) به قرار ذیل است .

۱ - دعاوی راجع به اموال منقول و غیر منقول و دیون و منافع و زیان خسارات ناشیه از ضمان قهری و جرم در صورتی که بیش از دو میلیون ریال نباشد .
۲ - مطالبه رفع یدان اعیان غیر منقول در صورتیکه مالکیت مورد نزاع نباشد والا نصاب فوق معتبر است .

۳ - دعوی رفع مزاحمت و کلیه دعوای راجع به حقوقی ارتفاقی از قبیل حق العبور و حق حق المجری در ملک دیگری و امثال آن تا هر میزان که باشد .

۴ - مطالبه وفای به شرط و عهود راجع به معاملات و قراردادهای مشروط به اینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشد و الانضاب دادگاه حقوقی (۲) معتبر است .

۵ - دعاوی افراز و تقسیم و فروش اموال مشاع (به استثنای مواردی که قانون در صلاحیت سازمان ثبت قراردادهاست) در صورتیکه مالکیت محل نزاع نباشد .

۶ - تجدیدنظر نسبت به تصمیمات قابل اعتراض واحدهای ثبتی در مورد افراز املاک مشاع .

۷ - دعاوی راجع به روابط مالک و مستاجر در خصوص مطالبه اجور نصاب دادگاه حقوقی (۲) معتبر است .

۸ - درخواست تامین و حفظ دلائل و امارات .

۹ - درخواست سازش بین طرفین در هر دعوی و بدون رعایت نصاب .

۱۰ - درخواست گواهی انحصار وراثت مگر اینکه دعوی نسبت یا زوجیت طرح شود یا اختلاف در نکاح و طلاق باشد در این صورت دادگاه مدنی خاص صلاحیت رسیدگی به انحصار وراثت هم دارد .

ماده ۱۲ - دادگاه حقوقی (۲) در صورت تراضی طرفین دعوی به مهر دعوی تا هر

میزانی که باشد رسیدگی خواهد نمود .

مبحث چهارم (واخواهی)

ماده ۱۷۶ - محکوم علیه غایب حق دارد پس از اطلاع از حکم بمآن اعتراض نماید دادخواست اعتراض در دادگاه صادرکننده حکم به ترتیب مقرر برای دادخواست اولی رسیدگی میشود .

ماده ۱۷۷ - احکام غیابی پس از پانزده روز از تاریخ ابلاغ (اعم از واقعی و قانونی) قابل اجرا است واخواهی قبیل از اجرای حکم مانع اجرای آن خواهد بود .

ماده ۱۷۸ - چنانچه محکوم علیه پس از اجرای حکم از مفاد حکم مطلع شده و واخواهی نماید در رسیدگی بعدی حکم به نفع و اخواه صادر شود مدعی محکوم به پرداخت خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به و اخواه و نیز پرداخت معادل ۱۰٪ اصل محکوم به صندوق دولت می باشد .

ماده ۲۳۰ - احکام و قرارهای دادگاههای حقوقی (۲) قطعی است مگر در موارد زیر .
۱ - جایی که قاضی پرونده قطع پیدا کند که حکمش برخلاف موازین قانونی یا شرعی بوده است .

۲ - جایی که قاضی دیگری قطع به اشتباه قانونی یا شرعی پرونده پیدا کند بنحوی که اگر بما و تذکر بدهند متنبه گردد و متوجها اشتباه خود شود .

۳ - جایی که ثابت شود قاضی پرونده صلاحیت رسیدگی و انشاء حکم را در موضوع پرونده نداشته است .

ماده ۲۳۱ - مرجع تجدیدنظر تصمیمات دادگاه حقوقی (۲) دادگاه حقوقی (۱) است .

ماده ۲۳۳ - هیچ فراری به تنهایی قابل تجدیدنظر نیست مگر آنچه را که قانون صریحا اجازه داده باشد .

ماده ۲۳۴ - قرارهای زیر به تنهایی قابل تجدیدنظر است .

۱ - قرار رد یا ابطال دادخواست .

۲ - قرار سقوط دعوی .

۳ - قرار رد دعوی یا عدم استماع آن .

ماده ۲۳۵ - درخواست تجدیدنظر از اشخاص زیر پذیرفته میشود .

۱ - مدعی و مدعی علیه اعم از اینکه طرف اصلی دعوی بوده یا بعنوان شخص ثالث وارد یا جلب شده باشند و قائم مقام آنان از قبیل وارث و وصی و منتقل الیه در صورتی که تاریخ انتقال بعد از اقامه دعوی باشد .

۲ - کسانی که سمت نمایندگی مدعی یا مدعی علیه یا قائم مقام آنان را دارند .

ماده ۲۴۷ - در موارد درخواست تجدیدنظر باید اول محکمه نظر استنباطی خود را به طرفین ابلاغ کند ولی انشاء حکم را به تاخیر اندازد تا نظر محکمه تجدیدنظرشکلی بطور روشن و مدلل به او برسد و سپس حکم اجرا شود .

فصل چهارم (ترتیب رسیدگی)

ماده ۲۴۸ - در دعوی مطروح در محکمه حقوقی (۱) پس از اظهار نظر کتبی مشاور و رئیس محکمه و مشاوره فیما بین نتیجه بررسی و چیزی که به آن نظرشان مستقر شده ، به طرفین دعوا اعلام میگردد اگر مورد اعتراض هیچ کدام قرار نگرفت رئیس محکمه حکم را انشاء میکند و قطعیت می یابد و اگر مورد اعتراض قرار گرفت محکمه پرونده را جهت رسیدگی به دیوانعالی کشور می فرستد . دیوانعالی کشور با ملاحظه نظریه دادگاه و رسیدگی شکلی به پرونده چنانچه نظریه را صحیح و موجه تشخیص داد آنرا تنفیذ و پرونده را اعاده مینماید تا رئیس دادگاه انشاء حکم نماید که در این صورت رای صادره قطعی است .

ماده ۲۴۸ مکرر - هرگاه دیوانعالی کشور نسبت به نظریه قضائی دادگاه کیفری یک ایراد داشته باشد یا نقائص ببیند نظر خود را مستدلا مینویسد و پرونده را به دادگاه رسیدگی کننده ارسال می دارد اگر دادگاه نظر دیوانعالی را پذیرفت برابر آن حکم مقتضی صادر خواهد نمود در غیر این صورت پرونده را نزد ریاست کل دادگاهها ارسال می نماید تا جیب الارجاع در شعبه دیگری رسیدگی ماهوی شود شعبه مرجوع الیه نیز پس از رسیدگی چنانچه نظر دیوانعالی کشور را پذیرفت مطابق آن انشاء حکم مینماید و الا پرونده مجدداً به دیوانعالی کشور عودت داده میشود در چنین مواردی پرونده در هیات عمومی دیوانعالی کشور مطرح و طبق نظر اکثریت مطلق اعضاء به یکی از طرق زیر عمل میشود .

۱- در صورتیکه هیات عمومی دیوان عالی کشور نظر یکی از شعب دادگاه کیفری یک را صحیح و موجه تشخیص دهد در این صورت پرونده را به همان شعبه رسیدگی کننده ارجاع می نماید که انشاء حکم کند.

۲- نظرات قضایی دو شعبه رسیدگی کننده مشابه و هر دو صحیح و موجه است در این صورت پرونده به شعبه رسیدگی کننده ثانوی جهت انشاء حکم ارسال میشود.

۳- در خصوص موارد مذکور، در فوق هیات عمومی طبق نظر با اکثریت مطلق اعضاء پرونده را جهت ارجاع به یکی از شعب دیوان عالی کشور بزرگ ریاست کل دیوان می فرستند. شعبه مرجوع الیه دیوان عالی کشور مکلف است نسبت به موضوع پرونده ماهیتا رسیدگی و حکم مقتضی را انشاء نماید حکم صادره قطعی است / ض

وزیر دادگستری

نصرت وزیر

تاریخ چاپ ۶۲/۵/۱۹
اداره کل قوانین